



جمع بین عقلانیت، علم و معنویت؛ سرّ تمدن‌سازی حکمت سینیوی

به گفته فنایی اشکوری، برای ایجاد تمدن به عقلانیت به عنوان مبنایی‌ترین مبنا و در مرحله دوم به اخلاق و معنویت نیاز داریم که همه این عناصر در تولیدات فکری ابن‌سینا دیده می‌شود و آن چه او را متمایز می‌کند، همین جامعیت است.

به گفته فنایی اشکوری، برای ایجاد تمدن به عقلانیت به عنوان مبنایی‌ترین مبنا و در مرحله دوم به اخلاق و معنویت نیاز داریم که همه این عناصر در تولیدات فکری ابن‌سینا دیده می‌شود و آن چه او را متمایز می‌کند، همین جامعیت است. محمد فنایی اشکوری، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به مناسبت روز بزرگداشت ابن‌سینا، به بیان نکاتی درباره این فیلسوف و حکیم اسلامی و جایگاه تمدن‌سازانه وی پرداخت.

فنایی اشکوری ابن‌سینا را از نوابغ بی‌نظیر جهان بشری خواند و بیان کرد: همه مورخان و آشنایان به علوم و تمدن به نبوغ و استعداد درخشان ابن‌سینا و تأثیر شگرف او اعتراف دارند.

تأثیرگذاری ابن‌سینا در تمدن غربی

وی با اشاره به تأثیرگذاری ابن‌سینا در تمدن اسلامی و تمدن غربی، گفت: آثار ابن‌سینا، هم آثار منطقی - فلسفی او و هم آثار پزشکی و علمی‌اش، در همان دوره‌های قرون وسطی به لاتین ترجمه شد و او از این طریق در تمدن غرب و رنسانس تأثیرگذار بوده است. این تأثیر در ابعاد مختلف تمدن غربی نیز بوده است؛ هم در تفکر فلسفی - منطقی و هم در علوم؛ به ویژه پزشکی. جایگاه ابن‌سینا در عالم اسلام و نقش تمدن‌سازانه وی

فنایی اشکوری در مورد جایگاه و تأثیرات ابن‌سینا در عالم اسلام نیز گفت: در عالم اسلام هم که تأثیر ابن‌سینا چشم‌گیر است. ابن‌سینا بزرگترین فیلسوف عالم اسلام است و شیخ‌الرئیس لقب یافته است. ابن‌سینا در واقع در زمان خود در همه علوم زمان استاد و صاحب‌نظر و نوآور بوده است؛ در فلسفه، الهیات، منطق، ریاضیات، نجوم، علوم طبیعی زیستی و پزشکی.

وی این‌ها را مؤلفه‌های نقش تمدن‌سازانه ابن‌سینا دانست و بیان کرد: ابن‌سینا فقط یک متخصص در یک رشته علمی یا یک عالم در یک شاخه علمی نبود، بلکه یک متفکر تمدن‌ساز بود و همه ابعاد فکری و نظری علمی جامعه را مورد نظر داشت. ابن‌سینا در عمل هم وارد شده بود و با سیاست هم ارتباط داشته و مدتی وزیر بوده است. بنابراین در کنار بعد علمی انسان اهل عمل هم بوده است از طرف دیگر اهل معنویت هم بوده است.

این محقق و پژوهشگر ادامه داد: به گواهی آثار ابن‌سینا، او دست‌کم در اواخر عمرش گرایش قوی و نیرومندی به عرفان پیدا کرده است که در آثار او به خصوص در فصل‌های پایانی کتاب اشارات پیداست. او رساله‌هایی در تفسیر آیاتی از قرآن دارد، رساله‌ای در باب ذکر دارد و رساله‌های رمزی و تمثیلی دارد که در آن‌ها مباحث مابعدالطبیعی و معنوی را مطرح کرده است و در واقع سنتی را هم در آن حوزه بنیان‌گذاری کرده است.

ابن‌سینا؛ الگویی برای تحول تمدنی و سرمایه‌ای برای بازیابی فرهنگی

فنایی اشکوری عنوان کرد: بنابراین ابن‌سینا چهره درخشانی است که جزء مفاخر تاریخ ایران‌زمین است و کسی است که عقلانیت و دیانت و معنویت را با هم در آثار و اندیشه‌هایش نشان داده و معرفی کرده است. او می‌تواند الگوی بسیار موفق و مناسبی برای دانشمندان، عالمان، متفکران و صاحب‌نظران و برای پژوهشگران و دانشجویان ما باشد. یک چنین سرمشق و الگویی، سرمایه بزرگی برای یک فرهنگ است و برای این که این فرهنگ خود را باز بیابد و تحولی را در خود ایجاد کند.

جمع بین عقلانیت، علم و معنویت؛ سرّ تمدن‌سازی حکمت سینیوی

وی در توضیح بیشتر درباره این جنبه تمدن‌سازانه اظهار کرد: شما فقط با فلسفه تنها نمی‌توانید تمدن داشته باشید، یا فقط با علوم طبیعی محض نمی‌توانید تمدن داشته باشید و اگر علوم هم پیشرفت کند اما اخلاق و معنویت نباشد نمی‌توانید تمدنی داشته باشید ولی این تمدن تمدن مطلوب و متعالی‌ای نخواهد بود. سرّ این که حکمت سینیوی و حکمت ابن‌سینایی تمدن‌ساز بوده است و می‌تواند تمدن‌ساز باشد این است که بین همه عناصری که برای تمدن لازم است جمع کرده است.

این عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) عنوان کرد: ما برای تمدن به عقلانیت به عنوان مبنایی‌ترین مبنا برای تمدن نیاز داریم، ما برای تمدن علم را لازم داریم و برای تمدن اخلاق و معنویت لازم داریم. همه این عناصر در اندیشه‌ها و آثار و افکار و محصولات و تولیدات فکری ابن‌سینا دیده می‌شود و آن چه او را متمایز می‌کند همین جامعیت است.

توجه به ساحت‌های مختلف تفکر و نیاز بشری؛ پیام شخصیت ابن‌سینا

فنایی اشکوری ادامه داد: ما فیلسوف در دنیا زیاد داشته‌ایم که این‌ها فقط فیلسوف بوده‌اند و یا عالم بوده‌اند، یا فیزیکدان بوده‌اند، یا ریاضی‌دان بوده‌اند، یا حتی عارف بوده‌اند. اما شخص واحدی که همه این‌ها را به نحو عالی و به نحو اجتهادی در خود جمع کرده باشد به ندرت پیدا می‌شود. این ویژگی‌ای است که در ابن‌سینا هست و مجموع این ویژگی‌هاست که می‌تواند مبنای یک تمدن باشد و برای یک جامعه علمی برای ساختن یک تمدن الگو باشد. بشر خیلی وقت‌ها پیشرفت کرده است، اما پیشرفت‌ها یک ساحتی و یک جانبه و یک بعدی بوده است. پیامی که می‌شود از شخصیت ابن‌سینا گرفت همه جانبه بودن و توجه به ساحت‌های مختلف تفکر و نیاز بشری است و این است که تمدن می‌سازد و گر نه با تک تک این عناصر هیچ گاه تمدنی

به وجود نمی‌آید.

روش و رویکرد ابن‌سینا همیشگی و جاودانی است

وی در پاسخ به این سؤال نیز که چه استفاده‌ای می‌توان در حال حاضر از آثار ابن‌سینا داشت، بیان کرد: ما الان نمی‌توانیم در حد ابن‌سینا متوقف شویم. وقتی که صحبت از ابن‌سینا می‌کنیم از متفکری سخن می‌گوئیم که هزار سال پیش زندگی می‌کرده است، منتها راهی که او ترسیم کرده است و روشی که نشان داده است، آن روش همیشگی و جاودانی است؛ یعنی سیره ابن‌سینا و رویکردش است که برای ما خیلی اهمیت دارد تا این که لزوماً نظریات او. ممکن است نظریات ابن‌سینا را در مباحث فلسفی یا در مباحث علمی یا در مسائل پزشکی دیگر معتبر ندانند و این خیلی هم طبیعی است و چیزی از اهمیت ابن‌سینا کم نمی‌کند؛ اما آن چه که مهم است رویکرد ابن‌سیناست.

ارزش جاودانه آثار ابن‌سینا برآمده از روح جستجوگر اوست

فناپی اشکوری برای ترسیم بهتر این رویکرد به تبیین ماهیت فعالیت‌ها و تلاش‌های ابن‌سینا پرداخت و گفت: ابن‌سینا در حقیقت دارای یک روح جستجوگر، فعال، سخت‌کوش و جدی و تشنه معرفت و حقیقت بوده است و همین است که کار او را ارزشی جاودانه می‌بخشد. بر همین اساس هم هست که او می‌تواند برای ما الگو باشد که کمبودها و کاستی‌ها را برای تنبلی‌ها و کاهلی‌های خودمان بهانه قرار ندهیم.

کمبودها را بهانه کاهلی نکنیم/ ابن‌سینا به دنبال چهره ماندگار شدن نبوده است

وی عنوان کرد: ابن‌سینا کسی است که در سخت‌ترین شرایط زیسته است و تمامی موفقیت‌ها و دستاوردهای عظیم و درخشان‌اش را در محدودیت‌های بسیار و تنگناها، در یک زندگی سخت، پرماجرا، ناامن و گاهی در زندان به دست آورده است و این طور نبوده است که آرامشی برای پژوهش و تحقیق و تفکر داشته باشد. او فقط تشنه دانش و معرفت و حقیقت و معنویت بوده است و توقعی از کسی و از چیزی نداشته است. نه تقدیری از او می‌شده است و نه به عنوان چهره ماندگار از او تجلیل به عمل می‌آمده است، نه بورسیه به او اعطا می‌شده است، نه در لیست نخبگان قرار می‌گرفته است تا از مزایا برخوردار شود. عرضم این است که بدون هیچ توقعی و بلکه حتی با مخالفت‌ها، با دشمنی‌ها، با حسادت‌ها و با سختی‌ها فقط صرفاً برای جستجوی حقیقت و معرفت و تشنگی برای دانش و خدمت به بشریت این راه را رفته و این محصولات و نوآوری‌ها را داشته است.

فناپی اشکوری در همین رابطه اظهار کرد: این ابعاد ابن‌سیناست که امروز می‌تواند برای پژوهشگران درس‌آموز و الگو باشد که ما کار علمی را و کار نوآوری را همراه با منت بر جامعه نکنیم و خودمان را طلبکار جامعه ندانیم، بلکه به عنوان یک دین و یک وظیفه آن را انجام بدهیم. البته جامعه هم وظیفه دارد که به اهل علم احترام بگذارد و امکانات در اختیار آن‌ها قرار بدهد. اما از آن طرف نباید این خدمات در ما توقعی ایجاد کند و کار علمی خودمان را مشروط به آن نوع امکانات و آن نوع تجلیل‌ها و تقدیرها و مزایایی که عاید ما می‌شود، کنیم.

پاداش دانش و پاداش جستجوی حقیقت خود حقیقت است و نه هیچ چیز دیگر

وی با بیان این که پاداش دانش و پاداش جستجوی حقیقت خود حقیقت است و نه هیچ چیز دیگر، اظهار کرد: آن کسی که جویای حقیقت است دنبال هیچ پاداش و تجلیل و تقدیر و جایزه و امکاناتی ورای آن نیست و همین که به آن حقیقت دسترسی پیدا می‌کند خود بالاترین پاداش و بالاترین نتیجه‌ایست که به آن رسیده است؛ چه جامعه از او تقدیر کند و چه نکند و چه سودی از آن عایدش شود و چه نشود. بالاترین سود برای او همان کشف حقیقت است. روح علمی این روح است و گر نه عالم نیز همچون یک کارگر یا یک کارمند خواهد بود که در ازای یک مزد کاری را انجام می‌دهد و در این صورت جامعه از نظر علمی جهش نخواهد داشت تا به یک تمدن درخشان برسد.

تلاش مجاهدانه عالمان؛ شرط رسیدن به تمدن

فناپی اشکوری با بیان این که رسیدن به تمدن با ایثار، با فداکاری، با سخت‌کوشی، با مجاهده بدون توقف محقق می‌شود، عنوان کرد: این مقوله از این جهت همچون جهاد در میدان نبرد است. در آن جا کسی به فکر پاداش نیست و تمام افراد در فکر این هستند که هر آن چه سرمایه در وجودشان دارند بگذارند تا بر دشمن پیروز شوند. خب در میدان علم، در میدان سازندگی و تمدن‌سازی هم باید یک چنین روحیه‌ای بر عالمان و پژوهشگران و اهل آکادمی حاکم بشود و در واقع همین تلقی از علم یعنی کشف حقیقت به عنوان غایت بوده است که در تعریف فلسفه نمود پیدا می‌کرده و در محور کار کسانی مانند ابن‌سینا قرار گرفته است.

وی در پایان افزود: اگر این درس‌های اخلاقی را از ابن‌سینا بگیریم در واقع سود برده‌ایم و گر نه، اگر صرفاً به تجلیل ابن‌سینا بپردازیم و فقط به گذشته خودمان افتخار کنیم ولی در وضع حال خودمان تغییر ایجاد نکنیم قدمی به پیش نخواهیم رفت.